

## نهج البلاغه و میزان اهتمام شیعیان بدان

حسن انصاری

برخلاف تصور عمومی تاریخچه اهتمام علمای شیعه به نهج البلاغه در حد اهتمامی همگانی چندان زیاد نیست. نخستین شروح را علمای اهل سنت از میان معتزله و سنیان دیگر بر این کتاب نوشتند و حتی نخستین اهتمام ها برای روایت آن بیشتر از ناحیه علمای اهل سنت و یا معتزله خراسان بود. البته شیعیان امامی هم به این کتاب توجه داشتند اما نه در حدی که بعدها مشاهده می شود. تعداد شرح های نهج البلاغه تألیف علمای امامیه تا قبل از دوره صفوی چندان زیاد نیست و بعداً البته اهتمام بدان بیشتر شد. در این میان بی تردید مهمترین شرح نهج البلاغه از ابن ابی الحدید است که معتزلی بود و شرحش فوائد بسیاری دارد. این کتاب یک دوره کلام و تاریخ و ادب است و ای کاش به جای شرح لمعه طلاب علوم دینی این کتاب را به عنوان کتاب درسی در مقطع سطح می خواندند و مذاکره می کردند. چقدر خوب است که با خواندن چنین کتابی حرف های مخالفان تشیع هم در مباحث امامت و دیگر مباحث از زبان یک معتزلی خوانده شود و زمینه فهم متقابل فراهم شود. ابن ابی الحدید آدم بسیار منصفی است و عقاید توحیدیش با شیعه فرقی نمی کند. در امامت هم قائل به افضلیت حضرت امیر است و فقط نص را قبول ندارد و خلافت مشایخ ثلاثه را به انحای مختلف بر اساس اجتهاد و اختیار ثابت می داند اما دفاعش از حضرت امیر در خصوص جنگ های سه گانه عالی است و نمونه ای است از دقت در منابع تاریخی و دوری از تعصبات و به شکل بسیار قابل قبولی.

در سده بیستم توجه به نهج البلاغه بیشتر شد. نخست به وسیله محمد عبده، دانشمند برجسته اصلاح طلب مصر. چاپ کتاب توسط او و در ادامه انتشار کتاب توسط برخی دیگر از علمای سنی مصر و ازهر و یا لبنان موجب آشنایی بیشتر علمای سنی با کتاب نهج البلاغه شد. علاوه بر این، این کتاب به دلیل اهمیت ادبی آن هم مورد توجه سنیان و حتی مسیحیان عرب قرار گرفته. انتشار کتاب ابن ابی الحدید هم از آن کارهای مهم مصریان است در رابطه با اندیشه تقریبی. توجه داشته باشید که کتاب صفین نصر بن مزاحم را هم مصریان چاپ و منتشر کردند. این ها قدم های مهمی بود

برای اندیشه تقریبی در نیمه سده بیستم. به نظر من شرح ابن ابی الحدید می تواند مبنای تقریبی مهمی باشد. افسوس که در دو سه دهه اخیر کمتر به آن توجه شده. ابن ابی الحدید از نمونه های کم نظیر دنیای اسلام است.

پس از مشروطه توجه به جنبه های سیاسی کتاب شریف نهج البلاغه بیشتر شد. این کتاب نمونه اعلاى تربیت نبوی و علوی است. امیر المؤمنین نهج البلاغه الگوی تربیتی حضرت رسول است. اندیشه سیاسی حضرت در این کتاب الگوهای مهمی را بر روی متفکران مسلمان در چند دهه اخیر قرار داد و به ویژه روشنفکران و نوگرایان دینی و عالمان اصلاح طلب از آن بهره فراوان بردند. افسوس که در سی چهار سال اخیر با وجود برگزاری کنفرانس ها و نشست ها و چاپ دهها و بل صدها کتاب درباره نهج البلاغه اما یا محتوای سیاسی و اجتماعی و اخلاق اجتماعی آن در مقایسه با رویکرد فقهی مورد بی توجهی قرار گرفته و یا به کلی در تفسیر آن تحریف هایی رخ نموده. برخی هم هر جا کم می آورند اصالت آن مطالب را مورد تردید قرار می دهند. نهج البلاغه متأسفانه در طول تاریخ تشیع به عنوان منبعی فقهی مورد عنایت قرار نگرفت، در حالی که در آن مباحث مهمی هست که به کار فقیهان می خورد، به ویژه در مباحث سیاسی و اجتماعی فقه.

حنبلیان و سنیان اصحاب حدیث در برابر عظمت نهج البلاغه راهی جز انکار اصالت آن و یا اینکه کتاب تألیف شریف رضی نیست و بلکه کار برادر او شریف مرتضی است نداشته اند. تعداد زیادی هم از آنها گفته اند خطب و گفتارهای این کتاب اصیل نیست و نوشته خود شریف رضی است. ابن ابی الحدید در مورد تعدادی از موارد مورد تردید سنی ها مانند خطبه شریفه شقشقیه تأکید می کند که آنها را در کتاب هایی تألیف شده پیش از تولد شریف رضی دیده است. امروزه با توجه به دسترس بودن بسیاری از منابع این نکته که شریف رضی از منابع قدیمتر بهره گرفته به شکل بسیار زیادی ثابت شده. بسیاری از خطب و نامه ها را در تاریخ طبری و انساب الاشراف و بسیاری منابع دیگر می توان دید. باری وهابی ها و سلفی نمی توانند با نهج البلاغه و اندیشه متعالی آن نسبتی برقرار کنند.

آنچه مسلم است کتاب نهج البلاغه نماینده آن تفکر و تربیتی دینی است که حضرت امیر الگو و معلم آن در تاریخ در مقام بهترین شاگرد پیامبر است. وسلام الله علیه يوم ولد و يوم استشهد و يوم يبعث حيا.